

## امتداد قواعد امانت در حقوق تجارت ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق تجارت مصر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۸

محسن اسماعیلی\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

علیرضا قاسمی\*\*

### چکیده

از آنجایی که عنصر اصلی در تحقق امانت، رضایت و اذن مالک یا قانون گذار برای استیلاء و تصرف امین است، رابطه امانی به موارد مصرح در قانون مدنی محدود نمی‌شود، بلکه این رابطه در قوانین دیگر از جمله قانون تجارت نیز به چشم می‌خورد. با این حال، آثار موجود بیشتر به وضعیت امین در حقوق مدنی پرداخته است و به مصادیق و احکام امین در سایر عرصه‌ها از جمله حقوق تجارت توجهی ننموده است. در این مقاله این مصادیق ذیل دو عنوان امنای تاجر و امنای غیر تاجر احصا و آثار و احکام آن در امتداد قواعد امانت مورد مطالعه قرار گرفته است و در راستای این مقایسه بیان شد که احکام و آثار امین مدنی و تجاری یکسان بوده و امانت در حقوق مدنی و حقوق تجارت از نظام واحدی تبعیت می‌کنند و در مواردی که قانون تجارت برای امین تجاری مسئولیت سنگین تری را در نظر گرفته است، موجب بهم خوردن این نظام نمی‌گردد و دلیل اعمال مسئولیت بیشتر این می‌باشد که در مصادیق امنای تجاری به علت اقتضائات شغلی و حرفه‌ای بودن و مدعی بودن در تخصص خویش، تعهد به نتیجه می‌کند بنابراین بدیهی است که مسئولیت وی بیشتر از سایر امنا باشد. این نتیجه به خوبی در قانون تجارت مصر منعکس شده است و قانونگذار مصری، برخورد واحد با امنای تجاری داشته است که در قانون تجارت ما نوعی آشفتگی و عدم انسجام به چشم می‌خورد که شایسته است در اصلاحات بعدی قانون تجارت مورد توجه قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

امنای مدنی، امنای تاجر، امنای غیر تاجر، امین ورشکستگی

## مقدمه

در حقوق خصوصی امنیت اموال از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چرا که بخشی از روابط حقوقی اشخاص براساس امانت شکل می‌گیرد و به همین دلیل از دیرباز سازوکار های حقوقی جهت سامان دادن به روابط امانی در لابلای مواد قانونی مختلف پیش بینی شده است که لازم است این مصادیق پراکنده در قالب هایی منسجم و نظام مند سامان دهی شود.

از طرفی با گسترش و تحول روابط اجتماعی موارد جدیدی پدیدار گشته که می‌تواند واجد عنصر امانت و آثار آن باشد. و از آنجایی که برای تحقق امانت وجود عنصر امانت کفایت می‌کند رابطه امانی به موارد مذکور در قانون مدنی محدود نمی‌شود بلکه ردپای آن در قوانین دیگر نیز دیده می‌شود. بنابراین ضروری است از نگاه های سنتی که نسبت به امانت وجود دارد فراتر رفت. امروزه دیگر امانت به مصادیقی همچون ودیعه، عاریه، رهن، اجاره و امثال آن منحصر نمی‌شود بلکه گسترش روابط حقوقی موارد فراوانی از امین را اقتضاء نموده است به عنوان مثال در حوزه حقوق تجارت، مدیران شرکت های تجاری، مدیران تصفیه، دلالات، حق العمل کاران و... به عنوان مصادیق نوینی از امنای تجاری، قابل بررسی هستند که این تحقیق با روش تحلیلی، توصیفی و مقایسه ای عهده دار شناسایی این مصادیق ذیل دو عنوان « امنای تاجر» و « امنای غیر تاجر» و بررسی شرایط و احکام آنها می‌باشد.

از سوی دیگر به منظور شناخت هرچه بیشتر نقاط ضعف و قوت حقوق ایران مطالعه تطبیقی با کشور مصر هم خواهیم داشت. در مصر، قانون تجارت ابتدا در سال ۱۸۸۳ وضع شد که ترجمه‌ای از قانون تجارت فرانسه مصوب ۱۸۰۷ بود. با این حال واقعیت های عملی نشان داد که این قانون با پیشرفت های سریع تجاری به خصوص اصلاحات اقتصادی و پیشرفت های تکنولوژی و امور مستحدثه، همراه نیست و همه ابعاد عرصه تجاری را پوشش نمی‌دهد. بنابراین قانونگذار مصر ندهای فراوانی را که وضع قانونی جدید را سر می‌داد، استجابت کرد و در سال ۱۹۹۹ قانون تجارت جدید مصر را تصویب نمود تا با تطورات تجاری جدید همگام باشد. علاوه بر این، قانون شرکتهای تجاری مصر نیز در سال ۱۹۸۱ تصویب شده و قانونی جدید به شمار می‌رود. بنابراین قانون تجارت مصر از این جهت که قانونی جدید است و از طرفی سعی

شده است از تقلید محض از قانون تجارت فرانسه فاصله بگیرد و به اقتضائات داخلی نیز توجه کند، اهمیت می یابد و می تواند به عنوان منبعی درخور توجه برای مطالعه تطبیقی مورد استفاده قرار گیرد. به خصوص آنکه در بین کشورهای اسلامی، مصر کشوری با سابقه و پیشتاز در امر تقنین و مطالعات حقوقی است و از سویی، وجود مشترکات فراوانی که به لحاظ منابع حقوق بین کشور ما و مصر وجود دارد، فرآیند تطبیق را ملموس تر می سازد.

## ۲- امانای تاجر

مقصود از امانای تاجر، اشخاصی است که در عین تاجر بودن امین نیز محسوب می شوند که شامل دلال، حق العمل کار، عامل، متصدی حمل و نقل، متصدی انبارهای عمومی می شود.

### ۲-۱- دلال

دلالی از لفظ دلالت، به معنای راهنمایی و ارتباط بین دو امر مشتق گردیده و در اصطلاح نیز دلال به کسی گفته می شود که واسطه انجام معاملات باشد و دلال زمانی تاجر محسوب می شود که شغل معمولی خود را عملیات دلالی قرار دهد. (احمدی سجادی، ۱۳۷۸، ص ۹۰)

در رابطه با ماهیت حقوقی دلالی، برخی از حقوقدانان با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۳۵ قانون تجارت، دلالی را یکی از مصادیق نمایندگی (وکالت) برشمرده اند. (کاتبی، ۱۳۵۴، ص ۲۶۳) اما برخی با توجه به تفاوت هایی که بین این دو نهاد وجود دارد، دلالی را از مصادیق وکالت به شمار نمی آورند و آن را در قالب عقد اجاره یا جعاله قابل توجیه می دانند. (قنواتی و عیسائی تفرشی، ۱۳۸۰، ص ۷۵-۷۷)

این اختلاف نظر ضروری به بحث ما نمی زند زیرا نقطه اشتراک وکیل، اجیر و عامل «امانت» است. بنابراین همان گونه که این افراد ملزم به رعایت امانت در حفظ حقوق موکل، مستاجر و جاعل می باشند، دلال نیز در ارتباط با آمر خود ملزم به صداقت و امانت داری نسبت به حقوق وی می باشد. به عبارت دیگر چه اینکه ماهیت دلالی را وکالت بدانیم و چه اینکه آنرا در قالب عقد اجاره یا جعاله توجیه نماییم در مورد امین بودن ید دلال شکی نیست و برای اثبات این مدعا می توانیم به دلایل ذیل استناد کنیم:

۱- در جایی که مالی در دست دلال قرار می‌گیرد، از آنجایی که امر با اذن و رضایت خود مالش را در اختیار دلال قرار داده، ید دلال را می‌توان ید امانی تلقی نمود؛ چرا که برای تحقق امانت، اذن مالک کفایت می‌کند و در اینجا نیز امر با رضایت خویش مال را به دلال سپرده تا از آن مراقبت نماید، یعنی اموال در دست دلال امانت می‌باشد و دلال باید مانند یک مالک دلسوز در حفظ و نگهداری آنها تمام سعی و تلاش خود را بنماید، لذا اگر این اموال بدون تعدی و تفریط دلال در ید او تلف گردد ضامن نمی‌باشد و امر برای گرفتن خسارت باید تقصیر دلال را اثبات نماید وگرنه نمی‌تواند خسارتی را بگیرد. بنابراین دلال را می‌توان از جمله امنای مالکی دانست.

۲- قانونگذار بنابر ماده ۳۳۵ قانون تجارت، روابط دلال و امر را تابع مقررات راجع به وکالت دانسته است، و یکی از مقررات راجع به وکالت، بحث امین بودن وکیل می‌باشد، بنابراین دلال نیز همانند وکیل امین محسوب شده و ضامن نیست مگر در صورت تعدی و تفریط.

۳- قانون راجع به دلالان مصوب ۱۳۱۷ تصدی به هر نوع دلالی را منوط به داشتن پروانه دانسته است و در ماده ۲ قانون مذکور یکی از شرایط اخذ پروانه دلالی را نداشتن محکومیت به ارتکاب جرم خیانت در امانت دانسته است، لذا از این ماده می‌توان برداشت نمود که قانونگذار برای حمایت از اموال مالکان به امانتداری دلالان توجه داشته و چنانچه فردی مرتکب جرم خیانت در امانت شده باشد را از انجام عملیات دلالی منع کرده است.

۵- ماده ۳۳۷ ق.ت: «دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول «تقلب و تقصیرات» خود می‌باشد» و ماده ۳۳۴ ق.ت نشان دهنده یکی از احکام امانت که همان ضامن نبودن امین مگر در صورت تعدی و تفریط، می‌باشد. اما مشکل در جایی است که به دلال اسناد و اشیائی سپرده شود. در این حالت به حکم ماده ۳۳۹ ق.ت، «دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است». به این ترتیب برای دلال در خصوص اشیاء و اسنادی که در ضمن معامله در ید او قرار داده شده، فرض مسئولیت شده است. یعنی دلال مسئول تلف اسناد و اشیاء مزبور است و تنها با اثبات این که تلف مزبور مربوط به او نبوده از مسئولیت معاف خواهد بود. آیا

این به معنای عدول از قواعد امانت است؟ پاسخ این سؤال را به همراه مسئولیت متصدی حمل و نقل بررسی خواهیم کرد.

ممنوعیت دلالت از انجام معامله با خود می تواند مویدی بر مطالب فوق باشد. از آنجایی که طبق اصل مربوط به رعایت غبطه و صلاح آمر و نیز اصل مربوط به لزوم رعایت امانتداری، دلال باید تمام سعی خود را برای فراهم کردن موجبات انجام معامله مورد نظر آمر با بهترین شرایط و مناسب ترین قیمت مصروف دارد، بنابراین چنانچه خود شخصاً طرف معامله آمر قرار گرفته و معامله مورد نظر وی را با خود انجام دهد، این فرض متصور خواهد بود که وی به عنوان دلال نخواهد توانست غبطه و صلاح آمر را رعایت کند، به همین دلیل همان گونه که وکیل نیز بدون اجازه صریح موکل مجاز به انجام معامله با خود نمی باشد، دلال نیز نمی تواند حتی معامله ای را به نام شخص دیگر ولی به نفع خود با آمر انجام دهد که این اصل یکی از آثار مربوط به امانت می باشد.

ضمانت اجرای تخلف دلال از اصل ممنوعیت معامله با خود و نیز اصل امانت در انجام معامله، خیار تدلیس آمر برای فسخ معامله و نیز مطالبه خسارت وارده از بابت مسئولیت مدنی و نقض قرارداد دلالتی است که آمر حسب مورد می تواند به یکی از دو روش یاد شده خسارت خود را جبران کند. (قهرمانی، ۱۳۸۳، ص ۸۰)

در قانون تجارت مصر در ماده ۲۰۲ نیز به مسئولیت دلال اشاره شده است. بر اساس این ماده دلال مسئول جبران خسارات ناشی از تلف یا گم شدن مدارک، اوراق یا اشیاء مربوط به عقدی است که واسطه انعقاد آن است، مگر آنکه قوه قاهره را اثبات نماید و این ماده شبیه ماده ۳۳۹ قانون تجارت ایران است. بنابراین یکی از مصادیق امین تجاری در حقوق تجارت ایران و مصر دلال می باشد.

## ۲-۲- حق العمل کار

تاجران اغلب به علت عدم دسترسی به خریدار یا فروشنده جنس، ممکن است اجناس خود را به وسیله شخص دیگری به فروش برسانند و یا خریداری کنند، به این شخص عمل کننده «حق العمل کار» می گویند.

در مورد ماهیت حق العمل کاری مشهور حقوقدانان با استناد به ماده ۳۵۸ ق.ت. که بیان می‌دارد: «جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد» ماهیت حق العمل کاری را وکالت یا در حکم آن دانسته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۹۹؛ اعظمی‌زنگنه، ۱۳۵۳، ص ۲۹۵؛ راستین، ۱۳۵۳، ص ۳۸۲؛ کاتبی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳؛ ستوده تهرانی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۷؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۹؛ فخاری، ۱۳۶۲، ص ۴۱؛ حسنی، ۱۳۸۷، ص ۵۷۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸؛ قنوتی و عیسائی تفرشی، ۱۳۸۰، ص ۶۲) در مقابل برخی دیگر نظر به تفاوت‌هایی که بین وکالت و حق العمل کاری وجود دارد، توصیف این نهاد را در پرتو عقد وکالت نادرست و ماهیت آن را عقد اجاره اشخاص می‌دانند. (اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳) با این حال، دو دیدگاه مذکور، در «امین» دانستن حق العمل کار اتفاق نظر دارند و حق العمل کار را امین می‌شمارند.

دلایلی که می‌توان برای امانی بودن ید حق العمل کار برشمرده به قرار ذیل است:

۱- حق العمل کار با اذن و رضایت آمر بر مال او مسلط می‌گردد و براساس نظریه تساوی اذن با امانت می‌توان گفت که حق العمل کار امین آمر محسوب شده و احکام امین بر او مترتب می‌گردد لذا چنانچه اموال آمر در دست حق العمل کار بدون تعدی و تفریط تلف گردد، وی ضامن نمی‌باشد

۲- بنابر ماده ۳۵۸ ق.ت. که مقرر می‌دارد: «جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.» یکی از مقررات راجعه به وکالت، بحث امین بودن وکیل و احکام و آثار آن می‌باشد که در مورد حق العمل کار نیز جاری است به عبارت دیگر وقتی قانونگذار مقررات مربوط به وکالت را در مورد حق العمل کار جاری می‌داند، یقیناً به امین بودن حق العمل کار نیز توجه داشته است.

۳- بنابر ماده ۳۷۰ قانون تجارت و تبصره آن می‌توان اینگونه استدلال کرد که تا زمانی که فرد امین شمرده نشوند نمی‌توان به علت تخلفی که انجام داده است علیه او دعوی خیانت در امانت مطرح نمود لذا حق العمل کار طبق این ماده امین محسوب می‌گردد توضیح بیشتر آنکه؛ در دعوی خیانت در امانت برای تحقق عنصر مادی جرم ابتدا باید مالی به مجرم به صورت امانت سپرده شده باشند و مجرم از آن مال سوء استفاده

نموده باشد تا بتوان او را مجازات کرد بنابراین در مورد حق العمل کار باید گفت که قانونگذار او را امین شمرده است که برای او چنین مجازاتی در نظر گرفته است.

۴- بنابر ماده ۳۶۴ قانون تجارت که مقرر می دارد: «اگر حق العمل کار «تقصیر» کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید». این ماده خود یکی از احکام امانت است که در این ماده لحاظ شده است. بنابراین حق العمل کار به عنوان امین آمر مکلف است، وظایف خود را مطابق قرارداد و برابر مقررات مربوطه در قانون تجارت، به انجام رساند. بدیهی است در صورت تعدی و تفریط در انجام عمل (تقصیر) مسئول خساراتی خواهد بود که در نتیجه عمل او به آمر وارد گردیده است.

یکی دیگر از مویداتی که می توان در مورد امین بودن حق العمل کار بیان نمود ممنوعیت حق العمل کار از انجام معامله با خود است که در ماده ۳۷۳ قانون تجارت بدان پرداخته شده است.

در حقوق تجارت مصر نیز حق العمل کاری با عنوان «الوكاله بالعموکه» شناخته می شود. همانطور که ملاحظه می شود در این فعالیت عبارت وکالت قید شده است و این خود دلیلی بر وکیل دانستن حق العمل کار و بالتبع امین دانستن حق العمل کار است. در بند اول ماده ۱۶۶ قانون تجارت مصر نیز در تعریف حق العملی کار آمده است: «قراردادی است که به موجب آن «وکیل» متعهد می شود تا به حساب موکل خود تصرفی حقوقی انجام دهد». بر همین اساس ماده ۱۶۶ قانون تجارت مصر مقرر داشته است احکام عمومی وکالت در حق العمل کاری نیز اعمال می گردد. بنابراین بر خلاف حقوق تجارت ما که درباره ماهیت حق العمل کاری اختلاف نظر وجود دارد، در قانون تجارت مصر در موارد متعدد به وکیل بودن حق العمل کار تصریح شده است و از این رو اختلافی در ماهیت حق العمل کاری در قانون مصر وجود ندارد.

از آنجایی که حق العمل کار وکیل و امین محسوب می شود به عنوان یک قاعده عمومی در امانت، باید در حدود اذن موکل خود گام بردارد. به همین دلیل قانون تجارت مصر مصادیقی از فعالیت حق العمل کار را در حدود اذن موکل در مواد مختلف ذکر کرده است.

به موجب ماده ۱۶۸ قانون تجارت مصر، حق العمل کار باید کالایی را خریداری کند که مطابق با نوع یا صفتی است که موکل وی اعلام کرده است. در غیر این صورت، موکل به قبول آن الزام نمی‌شود. همچنین است اگر حق العمل کار کالایی مطابق با کیفیت کالای مطلوب موکل بخرد اما کمیت آن متفاوت باشد.

همچنین بر اساس ماده ۱۷۰ این قانون حق العمل کار مجاز نیست بدون اذن موکل خود برای پرداخت ثمن، اجل یا قسطی قرار دهد. در غیر این صورت موکل حق دارد، تمام ثمن را فوراً از حق العمل کار مطالبه کند. البته در صورتی که عرف تجاری، اعطای مهلت را بدون اذن موکل بپذیرد، حق العمل کار مجاز به این کار است؛ مگر اینکه موکل، او را صراحتاً از این کار باز دارد.

بر اساس ماده ۱۷۲ قانون تجارت مصر نیز حق العمل کار، مجاز به تغییر علامات تجاری نصب شده بر روی کالاها نیست مگر آنکه به صراحت از طرف موکل خود مأذون به این کار باشد.

از آن طرف، حق العمل کار باید در نهایت امانت داری، منافع موکل خود را حفظ کند و چنانچه معامله‌ای با شرایطی بهتر از شرایط تعیین شده از طرف موکل، منعقد سازد، باید منافع حاصله را به موکل برگرداند.

در ماده ۱۷۶ قانون تجارت مصر به مسئولیت حق العمل کار اشاره شده است. حق العمل کار در قبال اجرای قرارداد از طرف غیر، مسئولیتی ندارد. مگر اینکه به موجب قرارداد یا قانون یا عرف به مسئولیت وی تصریح شود. این حکم مطابق قواعد عمومی امانت است. امین ضامن نیست مگر در صورت تعدی و تفریط.

بنابراین یکی دیگر از موارد مشترک امین تجاری در حقوق ایران و مصر حق العمل کار می‌باشد.

### ۳-۲- عامل

عامل در لغت به معنای عمل کننده، کار کن، کسی که با دست کار کند، آمده است. ( عمید، ۱۳۶۳، ص ۸۵۶) و در اصطلاح حقوقی بعضی عامل را شخصی می‌دانند که از طرف دیگری و به نام او کار یا کارهایی را انجام می‌دهد، خواه وکیل باشد یا نماینده قانونی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۲)



در مورد ماهیت حقوقی عاملی، می توان گفت عامل وکیل تاجر یا تجارتخانه ای است که او را عامل خود قرار داده است بنابراین در مورد ماهیت حقوقی عاملی می توان به نظریه وکالت استناد جست. (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۷۹)

اگرچه قانونگذار در مورد عامل مقررات خاصی را مقرر نکرده است لیکن چنانچه اموال آمر در ید عامل قرار بگیرد او موظف به حفظ و نگهداری از این اموال می باشد به عبارت دیگر ید عامل، ید امانی تلقی شده و او به عنوان یکی دیگر از مصادیق امین تجاری محسوب می گردد. لذا عامل باید همانند یک امین از اموال آمر مراقبت نموده و تمام سعی و تلاش خود را برای مصلحت آمر به خرج دهد و چنانچه این اموال در دست او بدون تعدی و تفریط تلف گردد او ضامن نمی باشد چرا که این اموال با اذن و رضایت مالک در دست وی قرار گرفته، بنابراین ید او ضمانتی نمی تواند باشد و چاره ای نیست مگر اینکه ید او را امانی تلقی کنیم و از طرف دیگر هنگامی که اموال مالک با اذن و رضایت در دست دیگری قرار می گیرد، او امین محسوب شده و احکام امانت بر او اعمال می گردد.

بر خلاف قانون تجارت ما که تعریفی از عامل ارائه نشده است، قانون تجارت مصر به تعریف آن پرداخته و مقررات بیشتری را به آن اختصاص داده است. بنابراین عاملی چه از نظر مفهوم و چه از حیث احکام، در حقوق تجارت مصر وضعیت روشن تری دارد. همانطور که در تعریف عاملی ذکر شد، عامل کسی است که به نام و حساب دیگری معامله می کند. همین معنا در قانون تجارت مصر نیز لحاظ شده است. عاملی که در حقوق مصر، «وکاله العقود» خوانده می شود، به موجب ماده ۱۷۷ قانون تجارت مصر عقدی است که به موجب آن شخصی متعهد می شود، معاملات را به اسم و حساب موکل خود در قبال اجرت انجام دهد. فعالیت عامل می تواند شامل اجرای قرارداد به اسم و حساب موکل نیز بشود.

بنابراین در حقوق تجارت مصر در مورد ماهیت عاملی اختلاف نظری وجود نداشته و آن را نوعی وکالت می دانند و از این رو در مورد امین بودن آن نیز تردیدی وجود ندارد.

عامل نیز مانند حق العمل کار و هر امین دیگری مکلف است در حدود اذنی که موکل به وی اعطا کرده است، اقدام کند. بنابراین نمی‌تواند بدون اذن خاص موکل، حقوق موکل را قبض کند یا برای پرداخت ثمن تخفیف یا مهلتی اعطا کند. امانت داری عامل نیز در مواد متعددی تصریح شده است. عامل ملزم به حفظ حقوق موکل است و در این راستا حق دارد تمامی اقدامات لازم برای حفظ این حقوق را انجام دهد و باید موکل خود را از وضعیت بازار آگاه سازد. عامل، امین موکل است، بنابراین مجاز نیست تا جایی که با اجرای موضوع و کالتش ارتباط دارد، اسرار موکل خود را افشا نماید؛ حتی اگر این امر پس از پایان رابطه قراردادی باشد. قانون تجارت مصر درباره مسئولیت عامل، حکم خاصی ندارد؛ بنابراین باید گفت مسئولیت عامل به عنوان «وکیل عقد» تابع قاعده عمومی امانت است.

#### ۴-۲- متصدی حمل و نقل

حمل و نقل در امر تجارت نقش مهمی دارد و یکی از مهمترین عوامل در رونق بخشیدن به امر کسب و کار و تجارت محسوب می‌گردد. حمل و نقل از راه خشکی و دریا از زمان قدیم معمول بوده و با گذشت زمان تکمیل گردیده است تا به پای امروزی رسیده است.

در مورد ماهیت تصدی به حمل و نقل باید گفت: قانون مدنی در ماده ۵۱۳ به بیان اقسام اجاره اشخاص پرداخته و تصدی به حمل و نقل را به عنوان یکی از اقسام آن آورده است بر اساس این ماده، مسافر یا صاحب کالا که از خدمات متصدی حمل و نقل بهره می‌برد، مستاجر محسوب می‌شود و متصدی حمل و نقل به عنوان اجیر می‌باشد. (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰) لذا متصدی حمل و نقل در قانون مدنی تعهد می‌کند مانند یک امانت دار دلسوز از اموال اجیر نگهداری نموده و آنرا صحیح و سالم به او تحویل دهد.

مسئولیت متصدی حمل و نقل طبق ماده ۵۱۶ قانون مدنی امانی است و تعهدات وی منحصر به دو مورد است: نخست اینکه از مال حفاظت کند و دیگر آنکه مال را به مالک یا شخص ماذون از طرف مالک در مقصد تحویل دهد و بنابر ماده ۶۲۰ قانون مدنی چنانچه در موعد مقرر برای تحویل کالا معلوم شود که کالا معیوب، ناقص یا

تلف شده است، برای اخذ خسارت، باید تعدی و تفریط متصدی را ثابت کند. (نقی زاده باقی، ۱۳۹۰، ص ۴۱)

بنابراین قرارداد حمل و نقل در قانون مدنی یک نوع عقد اجاره اشخاص به حساب می آید که بالطبع عقدی لازم محسوب می شود و هیچ یک از طرفین نمی توانند بدون رضای دیگری آن را منفسخ سازند، مگر در صورت وجود یکی از اختیارات؛ در صورتی که قانون تجارت ماهیت آنرا تغییر داده است. چراکه ماده ۳۷۸ قانون تجارت آنرا تابع مقررات عقد وکالت دانسته است، که ظاهراً ارسال کننده در حکم موکل، و متصدی حمل و نقل در حکم وکیل تلقی شده است. (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹) لذا با توجه به این ماده اینگونه به ذهن متبادر می گردد که قانون تجارت ماهیت قرارداد حمل و نقل را وکالت قرار داده است.

به نظر این استدلال صحیح نباشد چرا که با توجه به تفاوت هایی که میان وکالت و تصدی حمل و نقل وجود دارد و با وجود استثناء در حکم کلی این ماده، قانونگذار قرارداد حمل و نقل را تنها تابع مقررات وکالت، آن هم در مواردی که حکم خاصی در قانون نیامده باشد، می داند، نه آنکه ماهیتاً آنرا وکالت تلقی کند.

بعلاوه آنکه به موجب ماده ۳۹۴ قانون تجارت که اعلام می دارد: «حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این باب نیست» معلوم می شود که در مورد حمل و نقل پستی، مقررات قانون مدنی همچنان به قوت خود باقی است و قراردادهای مربوط به حمل و نقل پستی، ماهیت حقوق مدنی خود را حفظ کرده است.

لذا در مورد ماهیت قرارداد حمل و نقل می توان گفت که جز در مورد حمل و نقل پستی، اصولاً قرارداد حمل و نقل نه ماهیت عقد اجاره را دارد و نه ماهیت عقد وکالت را؛ بلکه در وضعیت خود نوع خاصی از عقود معین است که در حقوق مدرن تجارت تاسیس شده است؛ منتها در صوت فقدان نص خاص، تابع مقررات عقد وکالت است و آثار و احکام خود را در مواردی که قانون تجارت مشخص نکرده باشد، از این عقد می گیرد. (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹)

اختلافاتی که در مورد ماهیت حقوقی حمل و نقل وجود دارد خللی به بحث ما نمی زند و از نظر نگارنده متصدی حمل و نقل یکی دیگر از مصادیق امین تجاری محسوب می گردد و دلایلی که برای این ادعا می توان مطرح نمود به قرار ذیل است:

۱. متصدی حمل و نقل با اذن و رضایت مالک، کالاها را در دست دارد و با توجه به اینکه بیان کردیم برای ایجاد رابطه امانی اذن و رضایت مالک کفایت می‌کند می‌توان گفت که متصدی حمل و نقل امین مالک محسوب شده و او یکی دیگر از مصادیق امین تجاری می‌باشد. علاوه بر این فقها ادعای اجماع دارند که ید دو نوع است: ید امانی (اذنی) و ید ضمانی. بنابراین در مورد متصدی حمل و نقل اگر قائل به امانی بودن ید او نباشیم ناگزیریم که ید او را ضمانی بدانیم، و هنگامی که ید او ضمانی باشد متصرف همواره مسئول تلف، نقص یا عیب مال مورد تصرف می‌باشد؛ اعم از اینکه تقصیر یا عدم تقصیر او ثابت گردد، یا اینکه هیچ یک از دو محرز نباشد، در حالی که قانونگذار در ماده ۳۸۶ قانون تجارت به متصدی حمل و نقل این فرصت را داده است که بتواند با اثبات تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا با اثبات اموری که در این ماده آمده است خود را از مسئولیت مبری کند پس ید متصدی حمل و نقل امانی است. اگرچه برخی از حقوقدانان قائل به این هستند که ید متصدی حمل و نقل، نه امانی است و نه ضمانی (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱) بلکه یک وضعیت خاص حقوقی است لیکن در پاسخ باید گفت که در مورد انواع ید- ید ضمانی و ید امانی- همانطور که بیان نمودیم، فقها ادعای اجماع کرده اند که به جز این دو نوع ید نوع سوم وجود ندارد.

۲- به موجب ماده ۳۷۸ ق.ت. «قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت می‌باشد». پس در قرارداد حمل و نقل، بار در دست متصدی، مانند اموال موکل در دست وکیل، امانت است و این ماده خود می‌تواند دلیلی بر مدعای ما مبنی بر امین بودن متصدی حمل و نقل باشد.

۳. بنابر ماده ۳۸۴ قانون تجارت که بیان می‌دارد: «اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تأدیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود به طور امانت نگاهداشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عین به عهده ارسال کننده خواهد بود.» از قسمت اخیر ماده فوق می‌توان اینگونه استدلال نمود که چگونه متصدی حمل و

نقل در این ماده امین شمرده می شود و در جای دیگر می خواهیم او را از قواعد و مقررات امانت خارج نماییم.

علاوه بر این، یکی دیگر از وظایف متصدی حمل و نقل طبق ماده ۳۸۵ قانون تجارت فروش مال مالک در صورت بیم فساد آن می باشد که این خود یکی دیگر از وظایف امین می باشد چرا که وظیفه اصلی امین حفظ و نگهداری مال به طور متعارف است و در جایی که بیم فساد مال می رود حفظ و نگهداری متعارف به معنای فروش آن مال با اجازه مدعی العموم می باشد. لذا این ماده خود می تواند دلیلی دیگر بر امین بودن متصدی حمل و نقل باشد.

همه دلایلی که ذکر کردیم نشان دهنده امین بودن متصدی حمل و نقل است اما مشکل آنجاست که بنابر ماده ۳۸۶ قانون تجارت: «متصدی حمل و نقل مسئول تلف، گم شدن، تأخیر تسلیم، نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره می باشد مگر اینکه ثابت نماید این امور مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل<sup>۱</sup> الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید.» همانطور که ملاحظه می شود قانون تجارت اصل را بر مسئولیت متصدی گذاشته است مگر این که خلاف آن ثابت شود. لذا متصدی به محض عدم اجرای قرارداد مقصر و مسئول شناخته می شود و نمی تواند از عنوان امانت استفاده کند و به عدم تقصیر خود استناد جوید. در حالی که مطابق قواعد امانت اصل بر این است که امین ضامن نیست مگر اینکه تقصیر او ثابت شود (لیس علی الامین الا الیمین). پس یک نوع تعارض به چشم می خورد. این تعارض زمانی آشکار می شود که پای ماده ۵۱۶ ق.م. به میان آید؛ به موجب این ماده: «تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از این که از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیایی که به آنها سپرده می شود همان است که برای امانت داران مقرر است؛ بنابراین در صورت تفریط یا تعدی مسئول تلف یا ضایع شدن اشیایی خواهند بود که برای حمل به آنها داده می شود و این مسئولیت از تاریخ تحویل اشیا به آنان خواهد بود.»

آیا این به معنای عدول از قواعد امانت است؟ برای پاسخ دادن با این سوال ابتدا باید تعارضی ظاهری که میان ماده ۵۱۶ قانون مدنی و ماده ۳۸۶ قانون تجارت وجود

دارد را بررسی نموده و سپس به مبنای مسئولیت متصدی حمل و نقل و دلال در قانون تجارت پردازیم.

در مقام بررسی تعارض ظاهری این دو ماده، برخی قائل به نسخ ماده ۵۱۶ قانون مدنی هستند. (فخاری، ۱۳۸۸، ص ۶۷). برخی دیگر با بیان اینکه تصرف متصدی حمل و نقل تجاری نه امانی است و نه ضمانی بلکه از یک وضعیت حقوقی خاصی برخوردار است، قانون تجارت را منحصص مقررات قانون مدنی می دانند. از نظر آنان مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ ق. م. را نمی توان کاملاً منسوخ دانست، اما قانون تجارت ایران، به عنوان یک قانون خاص، قرارداد حمل و نقل را از شمول مقررات قانون مدنی که یک قانون عام می باشد خارج کرده است. لذا در موارد برخورد مقررات مدنی و بازرگانی نسبت به قرارداد حمل و نقل، مقررات بازرگانی به عنوان خاص مقدم بر مقررات مدنی است؛ ولی در موارد سکوت و اجمال یا مواردی که صریحاً از شمول قانون تجارت خارج گردیده است، مقررات مدنی قابل اجرا خواهد بود. (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱)

برخی دیگر معتقدند که قانون مدنی و قانون تجارت با یکدیگر هیچ گونه تعارضی ندارند و هر دو قانون مکمل یکدیگرند و هریک به بیان بخشی از مسئولیت متصدی می پردازد؛ چرا که به نظر می رسد تعهدات متصدی مبتنی بر دو امر است: نخست؛ نگهداری و محافظت از کالا و دیگری حمل و سالم رسانیدن کالا به مقصد. (نقی زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۲)

قانون مدنی تنها در مورد تعهد به نگهداری و نتایج عدم ایفای آن صحبت کرده است و به وجه دیگر آن یعنی حمل و سالم رسانیدن کالا نپرداخته است و قانون تجارت به تعهدات متصدی، ناظر به رسانیدن کالا به مقصد می پردازد.

ممکن است در مقابل گفته شود که متصدی حمل و نقل نه تنها تعهد می کند که مال را به مقصد برساند، بلکه تعهد می کند که آن را سالم برساند و تعهد به رساندن بار به مقصد با نگهداری از آن ملازمه دارد و نمی توان برای متصدی دو تعهد جداگانه در نظر گرفت. در پاسخ باید گفت که با وجود تایید این مطلب که متصدی با قبول کالا، متعهد سالم رساندن آن به مقصد است و صحت کالا با ایفای تعهد متصدی ملازمه دارد، اما این امر مانع از آن نمی شود که ما تعهدات متصدی را تفکیک کرده و بار اثبات دلیل را براساس آن بر عهده هریک از طرفین قرار دهیم. متصدی تنها تعهد به

حمل کالا و رساندن آن به مقصد نمی کند، بلکه تعهد می کند که آن را سالم برساند و چنانچه این امر در قرارداد ذکر نشود، عرف و عادت آن را بر وی تحمیل می کند. اما این نگهداری از کالا، قید تعهد مبنی بر رساندن بار به مقصد نیست، بلکه شرط ضمنی عقد یا شرط متبانی است. شروط ضمن عقد، تعهدات فرعی هستند که با وجود ملازمه با تعهدات اصلی، مجزا از آن هستند. (نقی زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۲-۵۳)

به نظر می رسد ماده ۳۸۴ قانون تجارت نیز موید این مطلب باشد؛ چرا که بیان می دارد در صورتی که متصدی حمل و نقل کالا را به مقصد رسانیده باشد و مرسل الیه از دریافت آن خودداری کند، تعهد متصدی مبنی بر حفظ و نگهداری از کالا هنوز پابرجا بوده و او موظف است از مال التجاره همانند امینی دلسوز مواظبت و نگهداری نماید. این شیوه تفکیک میان تعهدات و تفاوت آن از حیث به وسیله یا به نتیجه بودن، بی سابقه نبوده و در عقد ودیعه دیده می شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷)

در صورت پذیرش دیدگاه اخیر در خصوص تفکیک تعهدات متصدی، این ایراد به نظر می رسد که با وجود مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ قانون تجارت که متصدی حمل و نقل را به دلیل عدم انجام تعهد مبتنی بر رساندن بار به مقصد به نحو مطلوب، مسئول می داند، دیگر مجالی برای اجرای مقررات قانون مدنی در خصوص نگهداری از کالا نمی ماند.

اما در مقام رفع اشکال می توان به فرضی اشاره کرد که کالا به مقصد نرسیده یا چنانچه رسیده باشد معیوب یا ناقص باشد، اما متصدی حمل و نقل برای رهایی از جبران خسارت، به قوه قاهره به عنوان عامل معاف کننده مندرج در قانون تجارت استناد می کند. در چنین فرضی آیا می توان به مالک کالا در مواجهه با چنین دفاعی از سوی متصدی، حق استناد به ماده ۵۱۶ قانون مدنی را داد و با اثبات تعدی و تفریط متصدی به رغم پذیرش قوه قاهره وی را ملزم به جبران خسارت دانست؟ هم چنان که امین مقصر در نگهداری مال مورد امانت حتی اگر تلف مال ناشی از فعل غاصب باشد مسئول است، در اینجا نیز تعلل و کوتاهی متصدی در نگهداری از کالا، باعث می شود که اثبات قوه قاهره و موارد مندرج در قانون تجارت، در مسئولیت وی تاثیری نداشته باشد. به عبارت دیگر وقتی امین مرتکب تعدی و تفریط می گردد ید امانی او تبدیل به ید ضمانی می گردد و در این وضعیت چنانچه اموال مالک در دست او تلف هم گردد او ضامن است و باید از عهده خسارت وارده برآید. (نقی زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۳)

بنابراین به نظر می‌رسد که قوانین مدنی و تجارت در خصوص مسئولیت متصدی حمل و نقل، تعارضی با یکدیگر ندارند تا ناچار شویم که به تخصیص یا نسخ یکی از آنها حکم دهیم. هر یک از این قوانین به بیان بخشی از تعهدات متصدیان حمل و نقل و ضمانت اجرای نقض آنها می‌پردازد و مکمل قواعد یکدیگر می‌باشند.

و اما در مورد مبنای ماده ۳۸۶ قانون تجارت، لحن ماده چنان است که بعضی را به اشتباه می‌اندازد و باعث می‌شود تا مبنای آن را به درستی درنیابند.

در حمل و نقل قانون تجارت در صورت تلف یا مفقود شدن کالا یا تاخیر در تحویل آن، متصدی از شرایط ضمن عقد تخطی نموده است و مرتکب تقصیر شده است؛ زیرا یکی از شرایط قرارداد حمل و نقل که به صورت حرفه‌ای به فعالیت تجاری می‌پردازد، این است که باید کالا را سالم و ایمن به مقصد برساند و گرنه در مقابل صاحب کالا مسئول خواهد بود؛ زیرا، صاحب کالایی که در حمل و نقل کالای خود یک تاجر حرفه‌ای را به عنوان متصدی حمل برمی‌گزیند، بر این امر تکیه دارد که متصدی با توجه به تخصصی که دارد، باید کالا را سالم برساند یا آن که خسارت وارده را جبران کند. بنابراین مبنای مسئولیت موجود در ماده ۳۸۶ قانون تجارت، تئوری تقصیر قراردادی است و مبنای مسئولیت در ماده ۵۱۶ قانون مدنی تئوری تقصیر قهری (غیر قراردادی) است.

علاوه بر این از آنجایی که این نظریه از مباحث قواعد عمومی قراردادها استفاده نموده و در راستای قانون مدنی و در جهت وحدت حقوق خصوصی گام برداشته است از اهمیت بیشتری برخوردار است.

تعهد متصدی موضوع ماده ۵۱۶ قانون مدنی تعهد به وسیله است لذا چنانچه متعهد له مدعی باشد که متعهد به عهد خویش عمل نکرده است، باید بار اثبات آنرا برعهده گیرد و تقصیر متصدی حمل و نقل را ثابت نماید. (یزدانیان، ۱۳۷۵، ص ۲۲-۲۴) درحالی‌که تعهد متصدی موضوع ماده ۳۸۶ قانون تجارت تعهد به نتیجه است و همین که کالا را سالم به مقصد نرساند مرتکب تقصیر شده است و باید قوه قاهره را اثبات کند تا از مسئولیت مبری شود.

به نظر، دلیل اینکه تعهد متصدی حمل و نقل در ماده ۵۱۶ قانون مدنی تعهد به وسیله بوده و در ماده ۳۸۶ قانون تجارت، تعهد به نتیجه این باشد که تصدی به حمل و



نقل مدنی در قالب یک حرفه تجاری نبوده و بنگاه یا موسسه حمل و نقلی وجود نداشته باشد، در حالی که در تصدی قانون تجارت، متصدی حمل و نقل خود را یک تاجر حرفه ای و دارای تخصص معرفی می کند و تضمین می کند که کالا را سالم به مقصد می رساند لذا تعهد او تعهد به نتیجه است. بنابراین مطابق قاعده «من له الغنم فعليه الغرم» پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد از سوی موسسه ای که سود سرشار می برد، امری منطقی است.

بنابراین نتیجه می گیریم که مبنای مسئولیت در تصدی به حمل و نقل چه در قانون مدنی و چه در قانون تجارت، تقصیر است و هر دو از نظریه تقصیر پیروی می کنند، لذا می توانیم در هر دوی آنها قواعد امانت را جاری کنیم زیرا آنچه برای ضمان امین مهم است اثبات تقصیر امین می باشد چه اینکه تقصیر قراردادی باشد و چه اینکه تقصیر غیرقراردادی باشد، بنابراین قاعده عدم ضمان امین مگر در صورت تقصیر هم در مورد امنای مدنی صادق است و هم در مورد امنای تجاری، و قانونگذار در مورد این اثر از رویکرد واحدی پیروی نموده است.

لازم به ذکر است که در مورد دلالت نیز این استدلال ها جاری بوده و می توان به آن استناد کرد.

در قانون تجارت مصر مواد بیشتری به متصدی حمل و نقل در مقایسه با سایر امنای تجاری اختصاص داده شده است. این امر اهمیت این موضوع را در فعالیت های تجاری نشان می دهد و لزوم توجه به آن را از دریچه امانت مضاعف می سازد. متصدی حمل و نقل به مناسبت شغل خود، اموال و کالاهای فراوان و غالباً با ارزش قیمتی بالا در اختیار می گیرد. بنابراین ضروری است وضعیت سلطه و استیلای او نسبت به اموال تحت اختیارش مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد و آثار حقوقی مترتب بر ید متصدی حمل و نقل تحلیل شود.

اگر از منظر کلان به قضیه بنگریم، خواهیم دید تمام ساز و کارهایی که در حقوق تجارت برای متصدی حمل و نقل پیش بینی شده است، به این منظور است که کالایی از مکانی به مکانی منتقل شود و در نهایت تجارت رونق یابد. بنابراین گزاف نیست اگر ادعا کنیم تمام مقررات موجود در راستای حفظ و نگهداری این اموال برای سالم به

مقصد رسیدن آنهاست. اینجاست که امانت و امین بودن متصدی حمل و نقل به عنوان یک ویژگی بارز و محوری خود را نشان می‌دهد.

بنابراین متصدی حمل و نقل به عنوان امین موظف است تمام تلاش خود را برای محافظت از اموالی که به وی سپرده شده است به کار گیرد و در صورتی که نگهداری کالا در طول مسیر مستلزم بسته بندی مجدد یا اصلاح بسته بندی یا افزایش و کاهش آن و تدابیر ضروری دیگری باشد، مکلف به انجام امور مذکور است. همچنین متصدی حمل و نقل، در حدودی اذنی که به او داده شده است باید عمل کند و به همین دلیل مکلف به اجرای تعلیمات و دستوراتی است که از جانب صاحب کالا به او داده می‌شود. (ماده ۲۳۳ قانون تجارت مصر)

در خصوص مسئولیت متصدی حمل و نقل، ماده ۲۲۹ قانون تجارت مصر نیز در مقرراتی مشابه با قانون تجارت ایران مقرر داشته است: متصدی حمل و نقل ضامن سلامت کالا اثنای اجرای قرارداد حمل و نقل است. بر همین اساس متصدی حمل از زمان تحویل کالا در قبال تلف کلی یا جزئی آن و تأخیر در تسلیم کالا مسئول خواهد بود. این مسئولیت به گونه ای است که متصدی حمل تنها با اثبات قوه قاهره یا عیب ذاتی کالا یا خطای فرستنده یا گیرنده می‌تواند آن را نفی کند. حتی قانون تجارت مصر تا آنجا پیش رفته است که هر گونه شرط مبنی بر معافیت مسئولیت متصدی را در قبال تلف کالا باطل دانسته است. (ماده ۲۴۵ قانون تجارت مصر)

البته در ماده ۲۴۶ این قانون، شرط محدود کننده مسئولیت را به شرط اینکه از یک سوم قیمت کالاها فراتر نرود و شرط معافیت نسبت به تأخیر در اجرای قرارداد را بلا مانع شناخته است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به همین ترتیب در رابطه با حمل و نقل اشخاص، متصدی در قبال تأخیر در وصول و خسارات بدنی و غیر بدنی وارد شده به اشخاص مسئولیت دارد و جز با اثبات قوه قاهره یا خطای سرنشین، نمی‌تواند مسئولیت خود را نفی کند. (ماده ۲۶۵ و ۲۶۶ قانون تجارت مصر)

جالب توجه است که قانون تجارت مصر از ترکیب حق العمل کاری و حمل و نقل نهاد جدیدی را با عنوان حق العمل کاری برای حمل و نقل بوجود آورده است. به موجب ماده ۲۷۳ قانون مزبور، حق العمل کاری برای حمل و نقل قراردادی است که

به موجب آن حق العمل کار متعهد می شود تا به نام خود و به حساب موکلش، قراردادی را برای حمل و نقل اشیا یا اشخاص منعقد سازد و لدی الاقتضاء به اقدامات مرتبط با این حمل و نقل مبادرت ورزد. البته در صورتی که حق العمل کار با وسایل خود حمل و نقل را بر عهده گیرد، متصدی حمل و نقل شناخته می شود و طبیعی است که احکام قرارداد حمل و نقل برای آن اعمال می شود. اما اصولاً حق العمل کار حمل و نقل تابع احکام خاص قرارداد حق العمل کاری است. بنابراین یکی دیگر از موارد مشترک امانت در حقوق تجارت ایران و مصر تصدی به حمل و نقل است.

#### ۲-۵- متصدی انبارهای عمومی

در قانون تجارت ایران تعریفی از انبارهای عمومی نشده است، ولی در تصویب نامه مورخ ۱۳۴۰/۶/۱۱ تاسیس انبارهای عمومی پیش بینی گردیده است. ماده ۱ این تصویب نامه می گوید: «انبار عمومی موسسه ای است بازرگانی که به منظور قبول امانت و نگهداری مواد اولیه و محصولات صنعتی و ... ثبت رسیده باشد.» از این ماده اولاً می توان برداشت نمود که این انبارهای عمومی یک موسسه تجاری هستند ثانیاً بنابر تصریحی که در این ماده در مورد امین بودن این انبارها گفته شده است نیازی به دلایل دیگر برای امین شمردن آنان نبوده و این ماده خود آنان را امین محسوب نموده است. (عرفانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۵۱)

بنابراین یکی دیگر از مصادیق امنای تجاری، متصدیان انبارهای عمومی هستند که به منظور حفظ و نگهداری کالاهای کشاورزان و صاحبان صنایع تشکیل شده اند لذا تمامی احکام مربوط به امانت در مورد آنها قابل اعمال است.

البته به نظر می رسد تجار دیگری نیز هستند که چه بسا امانت در مورد آنان نیز صدق کند؛ مانند: تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره (بند ۳ ماده ۲ ق.ت). تصدی به عملیات حراجی (بند ۵ ماده ۲ ق.ت). هر قسم عملیات صرافی و بانکی (بند ۷ ماده ۲ ق.ت). و... این موارد نیز ممکن است مجرای امانت و سپردن مال به آنان باشد ( ماده ۶۳۱ ق.م). به عبارت دیگر اگر این اشخاص با

اذن مالک یا قانونگذار بر اموال دیگران تسلط پیدا کنند یا آنها امانی بوده و می‌توان قواعد مربوط به امانت را در مورد آنها اجرا نمود؛ لکن از آنجایی که قانون تجارت در خصوص آن‌ها مقرراتی را پیش‌بینی نکرده است و حقوقدانان نیز کمتر بدان‌ها پرداخته‌اند، به موارد مصرح در قانون بسنده می‌کنیم.

بر خلاف قانون تجارت ما، در قانون تجارت مصر مقررات مستقلی برای تصدی انبارهای عمومی اختصاص داده شده است. در بند (ز) ماده ۴ قانون تجارت مصر، تصدی انبارهای عمومی یکی از مصادیق اعمال تجاری شناخته شده است. ماده ۱۳۰ قانون مزبور در تعریف ودیعه سپاری در انبارهای عمومی مقرر داشته است، قراردادی است که به موجب آن متصدی انبار متعهد می‌شود تا کالا را برای ودیعه‌گذار یا مالک یا کسی که به موجب اسناد، کالا را در تصرف دارد، برای حفظ و نگهداری آن تحویل بگیرد.

همانطور که پیداست مصداق بارز امانت در حقوق تجارت، تصدی انبارهای عمومی است. در واقع انبارهای عمومی همان ودیعه است که در عرصه تجارت جنبه حرفه‌ای پیدا کرده است؛ به همین دلیل تأسیس و اداره آن‌ها نیاز به مجوز اداری خاص منطبق بر شرایط مقرر را دارد.

با توجه به نکته فوق طبیعی است که مسئولیت این نوع ودیعه از مسئولیت عقد ودیعه ساده متفاوت باشد. بنابراین متصدی انبار عمومی در قبال تلف یا نقص کالاهای انبار مسئول است مگر اینکه ثابت نماید تلف یا نقص ناشی از قوه قاهره یا طبیعت کالا یا عیب ذاتی آن یا کیفیت بسته بندی آن بوده است. و این شبیه مسئولیت متصدی حمل و نقل است که بدان پرداختیم.

### ۳- امانای غیر تاجر

منظور از امانای غیر تاجر اشخاصی هستند که امین محسوب می‌شوند، بدون اینکه از نظر قانون تجارت (ماده ۲) تاجر باشند که شامل: مدیران شرکت‌های تجاری، بازرسان شرکت‌های تجاری، مدیران تصفیه، قائم مقام تجاری، سایر نمایندگان تجاری است.

### ۱-۳- مدیران شرکت های تجاری

یکی از نکات مهم در شرکت های تجاری، وجود احساس امنیت در اداره شرکت برای سهامداران و اشخاص ثالث است که این مهم می تواند سبب جلب سهامداران و سرمایه و اعتماد به شرکت باشد و از آنجایی که سهامداران یک شرکت صنعتی یا بازرگانی بزرگ گاهی به صدها هزار یا میلیون ها نفر می رسد و در عمل دخالت تمام آنها در اداره شرکت میسر نیست، لذا اشخاصی به جهت اعتمادی که از جانب سهامداران به آنها شده است، به عنوان نماینده شرکت انتخاب شده و وظایفی را برعهده می گیرند که به آنها مدیران شرکت گفته می شود. بنابراین مدیران، امین سهامداران هستند و هرکس که در چنین موقعیتی قرار می گیرد، موظف است فقط در جهت منافع ذی نفع اقدام کند و نباید از این سمت در جهت کسب منفعت شخصی استفاده یا در وضعیتی قرار گیرد که وظایف نمایندگی او با منافعش در تعارض قرار گیرد.

در خصوص جایگاه حقوقی مدیران در شرکت های تجاری دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی این رابطه را بر مبنای نهاد وکالت توجیه میکنند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۱؛ نصیری، ۱۳۷۰، ص ۱۵۶؛ اسکینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۱؛ عبادی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۹؛ علی آبادی، ۱۳۷۲، ص ۴۰۱؛ فروحی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱) برخی دیگر مدیران را نماینده قانونی شرکت میدانند (کاتبی، ۱۳۸۰، ص ۸۳؛ مهاجریان، ۱۳۵۴، ص ۶۴؛ حسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰) و سرانجام گروهی دیگر مدیران را رکنی از ارکان شرکت تلقی می کنند. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۸؛ عرفانی، ۱۳۷۸، ص ۲۵-۳۷؛ پاسبان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵؛ صفایی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶؛ عیسانی تفرشی، ۱۳۷۸، ج ۱ ص ۹۱ - ۱۳۶)

تحلیل جایگاه حقوقی مدیران شرکت ها و ماهیت رابطه آنها با شرکت، بحث مستقلی می طلبد اما صرف نظر از این اختلافات، در «امین» بودن مدیران شرکت تردیدی وجود ندارد؛ خواه مدیر شرکت را وکیل شرکت بدانیم یا نماینده قانونی آن و یا رکنی از ارکان شرکت. با استناد به دلایل زیر می توان به این مطلب پی برد:

۱- براساس نظریه ای که رابطه اذن و امانت را تساوی می دانست- در هر جا که اذن مالک یا مالکان وجود داشته باشد امانت هم پدید می آید- در این مبحث نیز مدیران شرکت های تجاری با اذن و رضایت صاحبان سهام (مالکان) اموال شرکت را

در دست گرفته اند بنابراین بر اساس مبنایی که ذکر کردیم مدیران شرکت های تجاری به عنوان امین شناخته شده و اموال شرکت در دست آنها امانت می باشد و چنانچه اموال شرکت بدون تعدی و تقصیر مدیران تلف یا ناقص شود ضامن نیستند.

۲- به موجب ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛ کسی که مرتکب «خیانت در امانت» شده، در دوره محرومیت نمی تواند به عنوان مدیر شرکت سهامی انتخاب شود. پس مدیر، امین شرکت و امانت شرط مدیریت است. از نظر عرف نیز مدیر شرکت امین شرکت است و از وی توقع امانت داری و حفظ غبطه و مصلحت شرکت می رود و معقول و منطقی نیست که مدیریت شرکت به فرد غیر امین سپرده شود. به عبارت دیگر این ماده نشان می دهد خیانت در امانت مانعی بر سر راه مدیریت محسوب می گردد چرا که یکی از وظایف اصلی مدیر که با امانی بودن ید او مرتبط است حفظ مصلحت و منافع شرکت است که هرکدام از جرایم و یا موانع موجود در ماده فوق با این وظیفه در تضاد است و برای همین است که قانونگذار بر سر راه مدیران موانعی قرار داده تا افرادی که صلاحیت مدیر بودن (امین بودن) را دارا نیستند وارد این عرصه نشده و منافع شرکت را به خطر نیندازند.

۳- ماده ۱۲۵ ل. ا. ق. ت. مقرر می دارد: «مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است «نماینده» شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد». ماده ۱۰۵ قانون تجارت نیز مدیران شرکت را نماینده شرکت دانسته است. لازمه نماینده تلقی نمودن مدیر شرکت این است که گفته شود مدیر، امین شرکت است؛ بویژه اگر نظریه وکالت یا نمایندگی مورد پذیرش قرار گیرد. ۴- ماده ۵۱ ق. ت. مدیر شرکت را در حکم وکیل دانسته و یکی از احکام وکالت نیز، امین بودن وکیل است. لذا مدیران شرکت های تجاری به سان یک وکیل باید در حفظ و نگهداری اموال موکل خویش (صاحبان سهام) نهایت سعی و کوشش خود را بنمایند. مویدی که می توان در رابطه با امین بودن مدیران شرکت های تجاری مطرح نمود، بحث ممنوعیت معامله با خود است.

قانون شرکتهای تجاری مصر نیز در خصوص جایگاه مدیران شرکت های تجاری ساکت است. با این حال در امین بودن مدیران این شرکتهای در قانون مصر نباید تردید کرد. بنابر ماده ۸۹ قانون شرکت های تجاری مصر نیز دارا بودن وصف امانت از لوازم

عضویت در هیئت مدیره شرکت است؛ به گونه ای که شخصی که محکوم به مجازات جنائی یا مجازات جرایمی همچون سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تزویر و رشکستگی به تقلب گردد، نمی تواند عضو هیئت مدیره شود. از آنجایی که مدیر به عنوان امین شرکت، همواره ملزم به رعایت مصلحت و غبطه شرکت است، در صورتی که در معامله ای، مصلحتی معارض با مصلحت شرکت داشته باشد، باید این موضوع را به هیئت مدیره ابلاغ نماید و در تصویب این معامله حق رأی ندارد. (ماده ۹۷ قانون شرکت های تجاری مصر)

همچنین طبق ماده ۹۸ قانون مزبور در راستای رعایت مصالح و منافع شرکت، مدیر از رقابت با شرکت منع شده است. بنابراین مدیر بدون اجازه خاص از مجمع عمومی نمی تواند به حساب خود یا دیگری در یکی از حوزه هایی که شرکت به فعالیت تجاری می پردازد، تجارت کند. در غیر این صورت شرکت حق مطالبه جبران خسارت دارد.

علاوه بر این در عقود معاوضی با شرکت نمی تواند طرف عقد، قرار گیرد مگر اینکه مجمع عمومی به او چنین اذنی اعطا کند. همچنین در صورتی که اعضای هیئت مدیره یا یکی از مدیران شرکت، عضو هیئت مدیره یا مدیر شرکت دیگری باشد یا اکثریت سرمایه آن شرکت را داشته باشد، حق انعقاد عقد معاوضی با شرکت را ندارد. مدیران شرکت همچون سایر امنا در قبال خساراتی که به سبب تقصیر آنها وارد می شود، مسئول خواهند بود. (ماده ۱۰۰ قانون شرکت های تجاری مصر)

بنابراین ید مدیران شرکت های تجاری در حقوق تجارت ایران و مصر ید امانی می باشد.

## ۲-۳- بازرسان شرکت های تجاری

صاحبان سهام در شرکت های سهامی منفرداً حق مداخله در امور شرکت را ندارند و مجامع عمومی صاحبان سهام نیز وقت و اطلاع کافی برای بررسی و مطالعه عملیات و حساب های مدیران را ندارند. علاوه بر این مجمع صاحبان سهام سالی یکبار تشکیل جلسه می دهد و در این فرصت کم نمی تواند عملکرد شرکت را بررسی نمایند. به این جهت در قوانین کلیه کشورها، سازمان مخصوصی برای نظارت و بررسی حساب

ها و عملکرد مدیران پیش بینی شده است که بازرسی حساب نامیده می شود و این بازرسان نمایندگان و وکلای صاحبان سهام می باشند. (ستوده، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۴) در خصوص جایگاه حقوقی بازرسان شرکت های تجاری دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی این رابطه را بر مبنای نهاد وکالت توجیه میکنند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۴) برخی دیگر بازرسان را رکنی از ارکان شرکت میدانند (اسکینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۸۲؛ عیسایی تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۲) اما صرف نظر از این اختلافات، خواه بازرسان شرکت های تجاری را وکیل شرکت یا شرکا در نظر بگیریم، خواه آنان را رکنی از ارکان شرکت، در امین بودن آنها تردیدی وجود ندارد و دلایل این ادعا به قرار ذیل است:

۱- بازرسان شرکت های تجاری با اذن و رضایت صاحبان سهام انجام وظیفه نموده و اموالی از شرکت که در دست آنان قرار می گیرد به صورت عدوانی نبوده، لذا با توجه به مبنایی که پذیرفتیم رابطه میان بازرسان و صاحبان سهام رابطه امانی بوده و بازرسان موظفند در مورد حفظ و نگهداری اسرار تجاری شرکت و اموالی که به آنها سپرده می شود تمام سعی و تلاش خود را بنمایند و چنانچه بدون تقصیر خسارتی به شرکت وارد آورند ضامن نمی باشند.

۲- مسئولیت بازرسان نیز با مسئولیت امین مدنی مطابقت دارد. چرا که مطابق ماده ۱۵۴ ل.ا.ق.ت ۱۳۴۷ بازرسان یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند، طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. تخلف در انجام وظایف نیز، خود تقصیر محسوب می شود. همچنین ماده ۱۶۶ قانون تجارت تردیدی در مطابقت مسئولیت هیئت نظار با قواعد امانت، باقی نمی گذارد. چنانچه تخلف (تقصیر) بازرسان موجب ورود خسارتی به شرکت شود همانند امینی که در انجام وظایف خود تقصیر نموده است باید از عهده خسارت وارده بر آید.

۳- به موجب ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛ کسی که مرتکب «خیانت در امانت» شده، در دوره محرومیت نمی تواند به عنوان بازرسان شرکت انتخاب شود. بنابراین افرادی که مرتکب خیانت در امانت شده اند از آنجایی که امین واقعی محسوب نمی شوند نمی توانند به این سمت منصوب گردند پس بازرسان، امین



شرکت و امانت شرط بازرس بودن است. از طرفی بازرسان به دلیل اقتضائات شغلی خویش نسبت به بسیاری از اسرار بازرگانی شرکت آگاهی دارند و از آنجایی که این اسرار بازرگانی، در خارج از شرکت مالیت داشته و برای بسیاری از افراد اهمیت دارد و در صدد دستیابی به آن هستند لذا از حقوق مالی شرکت محسوب شده و بازرسان شرکت موظف به حفظ و نگهداری از این اسرار (به سان امین) می باشند.

۴- ماده ۶۴ قانون تجارت (منسوخ) اینگونه مقرر می دارد: «حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسئولیت وکلا و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.» بنابراین قانونگذار بازرسان شرکت های تجاری را در حکم وکیل دانسته است و یکی از احکام وکالت، امین بودن وکیل می باشد.

۵- قانون صریحاً بازرسان شرکت سهامی را به طور کلی از معامله با شرکت ممنوع می کند. ماده ۱۵۶ الایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می دارد: «بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.» و این می تواند مویدی بر مطالب فوق باشد.

چون وام گرفتن و اعتبار نیز معامله محسوب می شود، لذا می توان گفت که بازرسان نیز مانند اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل، نمی توانند از شرکت، وام و اعتبار دریافت کنند.

در قانون مصر به موجب ماده ۱۰۳ قانون شرکت های تجاری، شرکت سهامی بازرس یا بازرسانی دارد که باید واجد شرایط منصوص در این قانون باشند. بازرس امین شرکت است. به همین دلیل حق افشای اسرار شرکت را ندارد، در غیر این صورت عزل و مسئول جبران خسارات می گردد.

به اقتضای امانت و لزوم رعایت مصالح و منافع شرکت، بین عمل بازرسی و مشارکت در تأسیس شرکت یا عضویت در هیئت مدیره یا انجام عمل فنی، اداری یا استشاری در آن، امکان جمع وجود ندارد. حتی بازرس نمی تواند با مؤسسان، مدیران یا کسانی که در هیئت مدیره اعمال فنی، اداری یا استشاری انجام می دهند، شریک باشد یا قرابت تا درجه چهارم داشته باشد. (ماده ۱۰۴ قانون شرکت های تجاری مصر)

بنابراین بازرسان شرکت‌ها در قوانین تجارت ایران و مصر امین اسرار شرکت می‌باشند و در قبال شرکت، مسئول جبران خسارت‌هایی خواهد بود که به سبب خطاهایی است که در انجام عملش داشته است.

### ۳-۳- مدیران تصفیه

شرکت پس از اینکه منحل شد، مدیران شرکت دیگر سمتی ندارند و چون ممکن است شرکت کارهای ناتمامی داشته باشد، مطالبات و بدهکاری داشته باشد یا اجناسی در انبار موجود باشد که باید به فروش برسد و حتی ممکن است دعاوی در محاکم داشته باشد و از همه مهمتر باید دارائی شرکت باید بین طلبکاران یا سهامداران تقسیم شود لذا اشخاصی که نماینده شرکت در حال تصفیه باشند به جهت انجام این امور لازم است و این اشخاص را مدیران تصفیه گویند. (عبادی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶)

مدیران تصفیه نیز یکی دیگر از مصادیق امنای تجاری می‌باشند و عمده دلایلی که برای امین دانستن آنان می‌توان بیان کرد، به شرح ذیل است:

۱. مدیران تصفیه ورشکستگی با اذن و رضایت دادگاه بر اموال شرکت تسلط پیدا می‌کنند و همانطور که بیان کردیم برای تحقق امانت وجود اذن کافی است. به عبارت دیگر مدیران تصفیه ورشکستگی ید امانی است چرا که برای انجام ماموریت خود از دادگاه اجازه دارند و این خود از عمده دلایل امین بودن ید آنهاست. بنابراین این افراد امین قضایی محسوب می‌گردند و آثار و احکام امانت بر آنان اعمال می‌گردد لذا چنانچه مدیر تصفیه بدون تعدی و تفریط خسارتی به اموال شرکت وارد آورد، ضامن نیست.

۲. حجر ورشکسته، سوء ظنی است. به همین دلیل از دخل و تصرف در اموالش ممنوع می‌گردد. این امر مستلزم آن است که اداره اموال ورشکسته به شخصی سپرده شود که نسبت به اقدامات وی اطمینان خاطر وجود داشته باشد و او کسی جز امین نیست. فلسفه انتصاب چنین اشخاصی حفظ اموال تاجر و اداره صحیح آن به نفع دین و لازمه آن، گماردن شخصی امین برای اقدامات مذکور می‌باشد. بنابراین اگر اموال تاجر به شخصی غیر از امین سپرده شود، احتمال هدر رفتن اموال بیشتر می‌گردد لذا قانونگذار برای حفظ حقوق تاجر و دین این اموال را به فرد امینی می‌سپارد.

۳. دقت در مواد مربوط به وظایف و اختیارات عضو ناظر و مدیر تصفیه به خوبی مؤید این است که مدیر تصفیه و عضو ناظر امین هستند و اساساً شخصی جز امین، صلاحیت لازم برای انجام این اقدامات را ندارد.

۴. وحدت ملاک با ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت.: به موجب این ماده، مدیران تصفیه «نماینده» شرکت در حال تصفیه هستند. درست است که تصفیه شرکت، در صورت ورشکستگی مطابق با مقررات ورشکستگی صورت می‌گیرد ولی به نظر می‌رسد از جهت اینکه مدیر تصفیه نماینده تلقی می‌شود تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر مدیر تصفیه در هر حال نماینده است خواه تصفیه به سبب ورشکستگی باشد و خواه به اسبابی دیگر. تنها تفاوتی که وجود دارد این است که مدیر تصفیه ورشکستگی از طرف دادگاه انتخاب می‌شود و برای همین امین قضایی است (ماده ۴۴۰ ق.ت.) در حالی که مدیر تصفیه غیروورشکستگی، ممکن است از طرف شرکت تعیین شود (ماده ۲۰۴ ق.ت) یا از طرف دادگاه (ماده ۲۰۵ ق.ت) لذا هم می‌تواند امین مالکی باشد و هم امین قضایی. اما از جهت نماینده بودن تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

۵. طبق ماده ۵۵۵ قانون تجارت می‌توان اینگونه استدلال کرد؛ تا زمانی که مالی در دست دیگری امانت نباشد نمی‌توان او را به دلیل حیف و میل نمودن به مجازات خیانت در امانت محکوم نمود، به عبارت دیگر، برای اینکه بتوانیم شخصی را به جرم خیانت در امانت مجازات کنیم ابتدا باید اموالی را به او سپرده باشیم و او را امین قلمداد کرده باشیم تا بعداً بتوانیم در صورت حیف و میل نمودن از او شکایت نماییم. مضاف بر اینکه از نظر عرفی حیف و میل نمودن همان تقصیر است که در مورد ضمان امین مطرح می‌باشد.

لازم به ذکر است که ناظران مدیر تصفیه در دوران تصفیه همان کارکردی را دارد که بازرس در دوره حیات شرکت دارد. از طرفی، دیدیم که مدیر تصفیه خود امین شرکت است. بنابراین شخصی که وظیفه نظارت بر مدیر تصفیه را دارد نیز امین شرکت محسوب می‌شود و چنانچه اموال شرکت یا تاجر در ید او قرار بگیرد موظف به حفظ و نگهداری از آن می‌باشد و چنانچه بدون تعدی و تقریط به این اموال خسارتی وارد آورد مسئول نیست.

در حقوق شرکت های مصر نیز دو نوع مدیر تصفیه پیش بینی شده است: مدیر تصفیه ای که از طرف مجمع عمومی انتخاب می شود و مدیر تصفیه ای که از طرف دادگاه در ضمن حکم به انحلال یا بطلان شرکت تعیین می گردد. امین ورشکستگی بارزترین مصداق امین در حقوق تجارت مصر محسوب می شود؛ چرا که در مورد آن، صراحتاً لفظ امین اتخاذ شده است. بر اساس ماده ۵۶۱ و ۵۷۱ قانون تجارت مصر، دادگاه در ضمن حکم اعلان ورشکستگی، وکیلی را برای اداره امر ورشکستگی تعیین می کند که «امین ورشکستگی» نامیده می شود.

اعمال مراقبتی مهم ترین وظیفه امین ورشکستگی است. امین ورشکستگی باید از زمان تحویل گرفتن اموال ورشکسته، به جمیع اعمال لازم برای صیانت از حقوق ورشکسته در برابر غرما اقدام کند.

امین ورشکستگی به اداره اموال و محافظت از آنها اقدام می کند و در تمامی دعاوی و اعمالی که مقتضی این اداره است، نماینده ورشکسته محسوب می شود. امین ورشکستگی باید اعمال مربوط به اداره ورشکستگی را به طور روزانه ثبت و ضبط کند. (ماده ۵۷۳ قانون تجارت مصر)

وظایفی که برای مدیر تصفیه در حقوق مصر وجود دارد، با حقوق ما تفاوت چندانی ندارد. بنابراین از تکرار آن خودداری می شود.

مسئولیت مدیر تصفیه نیز همانند سایر امنا مبتنی بر تقصیر است. بنابراین در صورتی مسئول شناخته می شود که در طول تصدی وی به سبب خطاهای او به شرکا یا اشخاص ثالث خسارت وارد شود.

#### ۴-۳- قائم مقام تجاری

تاجر به علت وسعت امور تجاری خود یا به علل دیگر می تواند کسی را قائم مقام خود قرار دهد، و این چنین شخصی قادر است تمام یا قسمتی از امور مربوط به تجارتخانه تاجر با بدون مراجعه به تاجر انجام دهد. (عبادی، ۱۳۷۳، ص ۴۲)

قائم مقام تجاری یکی از مصادیق نمایندگی تجاری است و وی در کلیه قراردادها و اعمال حقوقی به نام و حساب صاحب تجارتخانه معامله می کند و آثار اقدامات او مانند وکالت مستقیماً دامنگیر صاحب تجارتخانه می شود.

در بحث از ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری، می توان گفت ماهیت حقوقی این نوع نمایندگی بر مبنای مقررات مربوط به عقد وکالت است و می توان احکام وکالت را - جز در موارد مصرح در قانون تجارت- به قائم مقام تجاری نیز تسری داد. (ستوده، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۸۸)

بنابراین یکی دیگر از مصادیق امین تجاری قائم مقام تجاری است و عمده دلایلی که بر امین بودن قائم مقام تجاری می توان ذکر کرد به قرار ذیل است:

۱- صاحب تجارتخانه اموال خود را با اذن و رضایت به قائم مقام تجاری سپرده است، پس قائم مقام تجاری در حدود اذنی که به او داده شده است امین شمرده شده و موظف است در حفظ و نگهداری اموال همانند امینی دلسوز تمام سعی و کوشش خود را به کار گیرد و غبطه و مصلحت صاحب تجارتخانه را در تمامی فعالیت های تجاری که انجام می دهد در نظر بگیرد و چنانچه بر اثر تعدی و تفریط او خسارتی به اموال وارد آید او ضامن است و در غیر اینصورت نمی توان او را ضامن دانست.

۲- قانون تجارت در ماده ۳۹۵ به نایب بودن قائم مقام تجاری تصریح دارد: «قائم مقام تجاری کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن «نایب» خود قرارداده است».

علاوه بر این در ماده ۳۹۹ قانون مذکور نیز به وکالت وی اشاره دارد: «عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده است، ...». بنابراین قائم مقام تجاری وکیل صاحب تجارتخانه محسوب می شود و از جمله آثار وکالت، امین بودن آن می باشد.

۳- اساساً لفظ قائم مقام معنای امین بودن را می رساند. وقتی شخصی، دیگری را قائم مقام خود قرار می دهد یعنی او را امین خود قرار داده و جز امانت داری از او انتظار ندارد. به عبارت دیگر وقتی در عرف به شخصی قائم مقام تجاری دیگری گفته می شود یعنی اینکه صاحبی تجارتخانه به این شخص اعتماد و اطمینان کامل داشته است که تمام امور تجاری خویش را به او سپرده است، و این اعتماد و اطمینان به خاطر امین بودن اوست.

بنابراین قائم مقام تجاری یکی دیگر از مصادیق امنای مالکی محسوب می گردد که با اذن صاحب تجارتخانه به این سمت منصوب شده است.

قانون تجارت جدید مصر مصوب ۱۹۹۹ برای قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری احکامی وضع نکرده است و آن را شبیه به عاملی دانسته است، برای همین به وضع احکام عاملی بسنده کرده است.

### ۳-۵- سایر نمایندگان تجاری

در دنیای تجارت، تجار با تعداد زیادی از مشتریان مواجهند که غالباً بسیار از یکدیگر فاصله دارند و تولیدکنندگان و توزیع کنندگان خودشان آنها را نمی شناسند. بنابراین نیاز به واسطه‌هایی است که آنها را به هم نزدیک نمایند. نهاد نمایندگی تجاری یکی از مهمترین اقتضائات تازه نظم نوین اقتصادی در زمینه این واسطه‌گری می باشد؛ چرا که نمایندگی تجاری باعث تسهیل و تسریع امر تجارت و گسترش میزان فعالیت تجاری و هم چنین سهولت دسترسی مصرف کنندگان به کالاها و خدمات می شود.

اگرچه قانون تجارت در رابطه با سایر نمایندگان تجاری تنها به ماده ۴۰۱ بسنده کرده است: «وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارت خانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است». اما می توان گفت هر جا سمت نمایندگی تجاری وجود داشت، به موجب این ماده نماینده تجاری، وکیل محسوب و بالتبع قواعد امانت نسبت به آن اعمال می شود. به عبارت دیگر این ماده در مورد سایر نمایندگان تجاری تعیین تکلیف نموده و آنان را از جمله امنای تجاری قرارداده است چرا که آنان را تابع احکام وکالت قرار داده و یکی از احکام وکالت امین بودن آنهاست بنابراین چنانچه اموال صاحبان تجارتخانه در دست نمایندگان تجاری بدون تعدی و تفریط تلف شود آنان ضامن نخواهند بود.

به عبارت دیگر طبیعت نمایندگی اعطای نیابت است و مهمترین اثر نمایندگی تجاری، اعطای نیابت در انجام معاملات تجاری است، و هنگامی که سخن از نیابت می آید، امین بودن شخص مفروض می باشد.

در مورد رابطه میان نمایندگی و وکالت، می توان گفت رابطه منطقی آنان، رابطه عموم و خصوص مطلق است، بدین معنی که، هر وکالتی نمایندگی محسوب می شود؛ اما هر نمایندگی ای، وکالت نیست؛ زیرا، قلمرو نمایندگی بسیار وسیعتر از وکالت است و به اعتبار منشا آن ممکن است قانونی، قضایی و یا قراردادی باشد در حالی که عقد

وکالت تنها منشا قراردادی دارد. بنابراین نمایندگان تجاری با توجه به سبب و منشا ایجاد کننده آن می توانند امین مالکی، قانونی یا قضایی شمرده شوند و آثار و احکام مختص هریک را دارا باشند.



## نتیجه گیری

در این مقاله بیان شد که عنصر اصلی و اساسی برای تحقق امانت وجود اذن است، لذا با توجه به این نکته امانت محدود به موارد مصرح در قانون مدنی نبوده و ردپای آن در سایر قوانین از جمله قانون تجارت وجود دارد.

دلال، حق العمل کار، عامل، متصدی حمل و نقل، متصدی انبارهای عمومی به عنوان امنای تاجر و مدیران شرکت، بازرسان شرکت، مدیران تصفیه، قائم مقام تجاری، و سایر نمایندگان تجاری به عنوان مصادیقی از امانت در قانون تجارت احصا گردیدند و بیان شد که این مصادیق در قانون تجارت ایران و مصر شبیه یکدیگر بوده که علت آن می تواند اقتباس هردو قانون از قانون تجارت فرانسه باشد.

از طرفی دیگر قواعد حاکم بر امنای تجاری با التفات به احکام امنای مدنی مورد بررسی قرار گرفت و ثابت شد احکام و آثار امین مدنی و تجاری یکسان بوده و امانت در حقوق مدنی و حقوق تجارت از نظام واحدی تبعیت می کنند و در مواردی که قانون تجارت برای امین تجاری مسئولیت سنگین تری را در نظر گرفته است، موجب بهم خوردن این نظام نمی گردد و دلیل اعمال مسئولیت بیشتر این می باشد که در مصادیق امنای تجاری به علت اقتضائات شغلی و حرفه ای بودن و مدعی بودن در تخصص خویش، تعهد به نتیجه می کند بنابراین بدیهی است که مسئولیت وی بیشتر از سایر امنا باشد. این نتیجه به خوبی در قانون تجارت مصر منعکس شده است و قانونگذار مصری، برخورد واحد با امنای تجاری داشته است که در قانون تجارت ما نوعی آشفتگی و عدم انسجام به چشم می خورد که شایسته است در اصلاحات بعدی قانون تجارت مورد توجه قرار گیرد.

از سویی این مقاله به عنوان گامی آغازین برای رد یابی امانت در سایر قوانین نیز به شمار می رود؛ چرا که با وجود کثرت کاربرد امانت و پراکندگی آن در مواد قانونی و به رغم قدمت این بحث، هنوز هم راه‌های نارفته فراوان است و خصوصاً جای آن است که از کنار هم نهادن فروع مختلف فقهی و مواد پراکنده قانونی «نظریه امانت» را بنیان نهاد. این نظریه پردازی علاوه بر این که مواد پراکنده و به ظاهر متفاوت را انسجام می بخشد امکان مقایسه و رفع تعارض بدوی میان آن ها را فراهم می آورد.



## کتابنامه

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۷)، حقوق تجارت، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ج ۲
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸)، حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و ساماندهی فعالیت تجاری)، تهران: انتشارات سمت، ج ۱
۳. اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۵۳)، حقوق بازرگانی، به سعی و اهتمام سهراب امینیان، بی جا
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ج ۱ و ۵
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۹)، حقوق تعهدات، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم
۶. حسنی، حسن (۱۳۸۷)، حقوق تجارت، تهران: نشر میزان، چاپ ششم
۷. راستین، منصور (۱۳۵۳)، حقوق بازرگانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم
۸. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۵)، حقوق تجارت، تهران: نشر دادگستر، ج ۲
۹. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، تهران: نشر دادگستر، ج ۴
۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات حقوقی، مقاله برخورد مقررات قانون مدنی و تجارت، تهران: نشر حقوقدان
۱۱. شهیدی، مهدی (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات حقوقی، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم
۱۲. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم
۱۳. عبادی، محمد علی (۱۳۷۳)، حقوق تجارت، تهران: انتشارات گنج دانش
۱۴. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۲)، موازین قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، تهران: حسینیه ارشاد
۱۵. عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول
۱۶. عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۷۸)، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ج ۱

۱۷. عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۸۶)، مباحث تحلیلی از شرکت های تجاری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ج ۲
۱۸. فروحی، حمید (۱۳۷۲)، حقوق تجارت (شرکت های سرمایه ای)، تهران: انتشارات روزبهان، ج ۱ و ۲
۱۹. کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ نهم
۲۰. کاتوزیان، حقوق مدنی (۱۳۷۶)، دوره حقوق مدنی (عقود معین)، تهران: انتشارات مدرس، چاپ دوم، ج ۴
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، جلد ۲
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، دوره حقوق مدنی (عقود معین)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ج ۴
۲۳. نصیری، مرتضی (۱۳۷۰)، حقوق چند ملیتی، تهران: نشر دانش امروز

#### مقالات:

۱. احمدی سجادی، سید علی (بهار ۱۳۷۸)، «ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری و مصادیق آن در حقوق ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی، شماره ۱
۲. اسکینی، ربیعا؛ بهنام فرید، دل افروز (بهار ۱۳۹۰)، «ساختار و ماهیت حقوقی حق العمل کاری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳
۳. پاسبان، محمد رضا (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، «اهلیت شرکت های تجاری و حدود و اختیارات مدیران شرکت های تجاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۵۱
۴. عرفانی، محمود (تابستان ۱۳۷۸)، «مدیریت شرکت سهامی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۴
۵. عرفانی، محمود (تابستان ۱۳۷۸)، «مدیریت شرکت سهامی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۴
۶. فخاری، امیرحسین (۱۳۸۸)، «سخنی درباره رأیی که در زمینه مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی صادر شده»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹

۷. قنوتی، جلیل و عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۸۰)، «رابطه نهاد نمایندگی با نهادهای حق العمل کاری، عاملی و دلالی»، مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۱
۸. قنوتی، جلیل؛ تفرشی، محمد عیسی (زمستان ۱۳۸۰)، «رابطه نهاد نمایندگی با نهاد های حق العمل کاری، عاملی و دلالی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۱
۹. قهرمانی، نصرالله (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «ماهیت حقوقی دلالی در حقوق تجارت»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵
۱۰. مهاجریان، عباس (۱۳۵۴)، «مدیران در شرکت های سهامی»، مجله کانون وکلا، شماره ۳۳
۱۱. نعیمی، عمران (بهار ۱۳۸۹)، «نمایندگی تجاری»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۲۰، شماره ۱
۱۲. نقی زاده باقی، پیام (مهر، آبان، آذر، دی ۱۳۹۰)، «ماهیت حقوقی قرارداد حمل و نقل و مسئولیت متصدی آن»، مجله تعالی حقوق، شماره های ۱۳ و ۱۴

#### جزوات و پایان نامه ها:

۱. امیری قائم مقامی، عبدالحمید (۱۳۹۱)، جزوه درسی درس حقوق تجارت ۱، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۲. فخاری، امیرحسین (۱۳۶۲)، جزوه حقوق تجارت ۱، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی